

آینده جهان اسلام (نویدها ، چالشها ، مسؤوليتها)

آینده جهان اسلام

(نویدها ، چالشها ، مسؤوليتها)

آیت الله واعظ زاده خراسانی

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والصلاة والسلام على رسول الله وعلى آله ائمه ائمه وصحبه انصار ائمه.

مقدمه :

ماهم اکنون قرن بیستم را پشت سرگذاشته و در آستانه قرن بیست و یکم قرار داریم. مجمع جهانی تقریب بین مذاهب اسلامی در سال جاری - سال 1420 - اقدام به برگزاری دو کنفرانس می نماید.

یکی از آن دو کنفرانس وحدت امت اسلامی و آینده آن است که به همراه شما افتخار حضور در آن را داریم. برگزار کنندگان این کنفرانس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و تجمع العلماء المسلمین در لبنان می‌باشند و این برای من مایه بسی مباهات است. و دیگری، دوازدهمین کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی است که هر سال، در ماه ربیع الاول روز ولادت نبی اکرم، در هفته وحدت، در تهران برگزار می‌شود و شمار زیادی از دانشمندان، رهبران جنبش‌ها، سران سازمانها و تشکل‌ها، پیشوایان مذاهب اسلامی و نخبگان شایسته‌ای از اصلاح طلبان در آن شرکت می‌کنند که به سرنوشت جهان اسلام، سختیها و دشواریها، شادی و سرور، امید و آرزو، غم و غصه، رنجها و دردهای آن اهتمام می‌ورزند.

موضوع مورد بحث در این کنفرانس «آینده اسلام و مسلمانان در قرن آتی» است. بحث مورد نظر در فهرست بحثهایی قرار می‌گیرد که به یکی از این دو کنفرانس ارائه می‌شود و به فضل و یاری خداوند برای تعیین موضع امت اسلام در مقابل جهان قرن آینده از این بحثها و گفتگوها به نتایج مثبت، طرحهای ارزشمند، اقدامات مثر ثمر و تصمیمهای مفیدی دست خواهیم یافت. ضمن اینکه اعمال گذشته خود به ویژه آنچه در قرن بیستم انجام داده ایم را ارزیابی می‌کنیم و به رویدادهای بزرگ، انقلابها، تحولات سیاسی، اقتصادی، تکنولوژی و فرهنگی که در عالم یا در جهان اسلام خصوصا در این قرن رخ داده است آشنا می‌شویم.

بدون شك این حوادث سرشار از خیر و شر، خوبی و بدی، دستاوردهای علمی و صنعتی و تحولات ملتها بوده است.

ما باید با توجه به حوادث گذشته و تحولات جدید آینده و به مقتضای نیازها و حالات مختلف برای وظایف و مسؤولیتهای امت اسلام در قبال خداوند و اسلام و همچنین جهان و نسلهای آینده برنامه ریزی کنیم.

بحث ما شامل سه فصل نویدها، چالشها و مسؤولیتهای می‌باشد و با ذکر خاتمه‌ای پایان می‌یابد.

نویدها :

منظور از نویدها اموری است که موجبات افزایش امید و اطمینان و تقویت عزم و اراده و مایه سرور و شادمانی و سعة صدر ما نسبت به آینده جهان اسلام می‌شود.

آینده‌ای سرشار از پیروزی، رستگاری، پیشرفت و تحقق نویدهایی که کتاب و سنت و ائمه و اولیای خدا

به آن وعده داده‌اند و ارزشهای نهفته در جوهر اسلام که ما را به سوی کمال رهنمود می‌شود و باعث اشتیاق ملت‌های اسلامی به ویژه نسل فرهیخته نوین و جوانان متعهد نسبت به پیشرفت مادی و معنوی امت اسلام می‌گردد.

علاوه بر اموری که مقتضای تغییر و تحولات اوضاع اجتماعی و رابطه آن با رویدادها می‌باشد به چند امر اطمینان خاطر داریم.

1- اطمینان ما به قرآن، سنت و وعده‌های انبیاء:

آیات قرآنی همواره نوید بخش آینده اسلام است. از جمله:

1- { هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُُ الْعَالَمِينَ كُلِّمَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ } (صف: 9 و توبه: 33).

2- { هُوَ الَّذِي ارْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظَاهِرَهُُ الْعَالَمِينَ كُلِّمَهُ وَكَفَىٰ بِاللَّامَةِ شَهِيدًا } (فتح: 28).

3- { وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ } (نور: 55).

4- { اِنَّ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ } وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَاهَهُ بَعْدَ حَيْنٍ { (ص: 87 - 88).

این آیات در خصوص همین امت (امت اسلام) است و در قرآن آیات دیگری وجود دارد که به عموم صالحان، حق طلبان، پیروان انبیاء و به طور کلی حزب الله نوید پیروزی حق بر باطل و یاری خداوند را می‌دهد:

1- { وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ اَنَّ اِلٰهَ الْاَرْضِ يَرْثُهَا عِبَادِيَ

2□ - { كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ } (مجادله : 21).

3□ - { وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا } (اسراء : 81).

4□ - { بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَ الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ... } (انبياء : 18).

5□ - { قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِيهِ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ } (سبا : 49).

6□ - { فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ... } (غافر : 77).

7□ - { ... } فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ } (مائده : 56).

8□ - { ... } إِلَّا أَنْ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ } (مجادله : 22).

9□ - { وَأَنْ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ } (صافات : 173).

10□ - { ... } أَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ } (محمد : 7).

11□ - { ... } وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ... } (حج : 40)

12□ - { أَنْتَ لَنْ تَنْصُرَ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهُادُ } (غافر : 51).

□ونیز آیات دیگری که نوید بخش غلبه حق بر باطل و پیروزی صالحان بر کفار می باشد و اینکه بندگان صالح خدا وارث زمین خواهند بود. ما مسلمانان هیچ شکی به خود راه نمی دهیم که ما حزب □ و سربازان

و بندگان صالح خداوند و یاران حق هستیم و به اذن خداوند، او و اسلام را یاری می‌نمائیم به این ترتیب این آیات بر ما صدق می‌کند و ما مصداق بارز این آیات هستیم.

□ دو آیه زیر بیانگر افزایش شطح کمی و کیفی مسلمانان در طول روزگار می‌باشد:

1- {وَمَثَلُ هُمْ فِي الْأَنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوفِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ... } (فتح: 29).

2- { الْم تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ & تُؤْتِي أكلًا هَلًا كُلَّ حِينٍ بَرَاذَن رَّبِّهَا... } (ابراهیم: 24 - 25).

□ آیه اول افزایش تعداد مسلمانان را به دانه‌ای که سر از خاک در آورده تشبیه کرده است. و آیه دوم کلمه طیبه که همان کلمه اسلام است را به درخت پاک و زیبائی تشبیه کرده که ریشه های آن در زمین ثابت و استوار و شاخه هایش سربه آسمان برکشیده است و برای همیشه بی حد و اندازه و تاروز قیامت ثمر می‌دهد.

□ ونیز قرآن با آیه {... كَمْ مِّنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بَرَاذَنِ اللَّهِ... } (بقره: 249). به ما مسلمانان در مقابل تعداد اندکمان آرامش قلبی می‌دهد.

□ ما الحمد □ در حال حاضر تعدادمان زیاد است و حدود يك چهارم جمعیت زمین را تشکیل می‌دهیم و حاصلخیزترین سرزمین هائی را که از غنی ترین معادن و بهترین نعمت‌ها، وسیع ترین و بهترین موقعیت‌ها برخوردار است در اختیار داریم.

□ ونیز قرآن ما را از نا امیدی برحذر داشته و امیدوار می‌کند:

1- { حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَطَنَهُمُ الَّذِينَ هُمُ قَدُ كُذِّبُوا جَاءَهُمُ نَصْرٌ نَّآ... } (یوسف: 110).

2- {... إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ } (یوسف: 87).

دو آیه مذکور از آیات سوره یوسف است که مثال اعلی و نمونه بارز رستگاری یوسف (علیه السلام) نبی خدا بعد از زیان و خسران و پیروزی او بعد از شکست می باشد یوسف همان پیامبری است که برادرانش او را به ته چاه انداختند خداوند او را نجات داده و بر کرسی عزت و شرف نشاند.

حتی اگر بسیاری از مردم از دین اسلام روی گردانده و مرتد شوند خداوند ما را از این مرحله عبور داده و از یاری و نصرت خود مایوس نمی گرداند. و وعده می دهد که انسانهای با اراده تر و استوارتری را جایگزین آنها خواهد کرد چنانچه می فرماید:

{ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهٌ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ } (مائده: 54). می بینیم که قرآن سرشار از نوید بشارت به پیروزی، نصرت و غلبه حق بر باطل است و خداوند خلق وعده نمی کند، سراسر قرآن خوشبینی و امید به آینده ای درخشان است که مقید به زمان و مکان نیست.

اما از نقطه نظر سنت، وعده های فراوان موجود در روایات بسیار و مورد قبول همه محدثین ما را قانع می کند که خداوند زمین را پس از اینکه از ظلم و ستم فراگیر شد توسط مردی از اهل بیت پیامبر سرشار از عدل و داد می کند.

ومنشا عدل دادگستر و صلح عادلانه را در جهان تنها اسلام می داند که از شرق اسلامی سرچشمه می گیرد نه غرب ملحد. علاوه بر آن پیامبر اسلام ((علیه السلام)) امیدوار و خوشبین بود و صبحگاهان یاران خود را با این کلام خود: «هل من مبشرات» فرا می خواند. منظور پیامبر از این عبارت رویای ماده یارانش بود. آنها را به فال نیک در تعبیر روایتها توصیه می نمود و می فرمود: «تفائلوا بالخير تجدوه» «تفال بالخير تنله» یعنی به فال نیک بگیرید آن را می یابید، و «فال نیک بگیر به آن دست می یابی» پیامبر اسلام به مسلمانان وعده داد دین او شرق و غرب عالم را فرا خواهد گرفت خداوند نیز وعده خود و رسولش را در گذشته متحقق ساخت و در آینده نیز آن را محقق می نماید تا اسلام سراسر جهان را در برگیرد. منظور از مشرق و مغرب همه زمین بدون هیچ محدودیتی است.

در کتابهای دینی بشارتهای پراکنده صحابه، ائمه، اولیاء در مورد حاکمیت اسلام بر ادیان و اهتزاز پرچم حق در سراسر عالم آمده است. سخن را با بیان این بشارتها طولانی نمی‌کنیم چرا که با وجود وعده‌های موجود در کتاب و سنت از ذکر این نویدها بی‌نیازیم.

□

2- اطمینان به ملت‌های اسلامی

ما به ملت‌های مسلمان همچون يك امت واحد و سپاهی الهی که در راه خدا نبرد می‌کند ایمان و اطمینان داریم سپاهی چون بنیان مرصوص که قرآن، سنت، تاریخ و سیره نبوی به آن شهادت می‌دهد.

ملت‌های اسلامی چه در زمان حیات پیامبر (علیه السلام) و چه پس از رحلت او به ملکوت اعلی راه او را ادامه داده، پرچم اسلام را بر دوش کشیده و کلمه توحید و ذکر خداوند را بر زبان جاری ساختند. در راه خدا از جان گذشته و شرق و غرب عالم را در نور دیدند و در این راه سلاحی جز کتاب خدا، سنت پیامبر، ایمان قلبی، اخلاص و صدق نیت بر نگرفتند. دشمنان را نابود کرده خود نیز به شهادت می‌رسیدند بی هیچ ترس و واهمه‌ای از ملامت دیگران در راه خدا جهاد می‌کردند و از هیچ کس جزا و نمی‌ترسیدند.

این خصال پسندیده که ضامن پیروزی آنها بر دشمنان بود در طول عصرها و عرصه‌های مختلف آشکار گردید و چنان شد که امت اسلام برای ادای وظایف خود به پاخاست و در برابر دشمنانی هرچند قوی، مقاومت و پایداری کرد، از نبرد با مشرکین، اهل کتاب و اهل دیگر مسلکها و مذهبهای باطل گرفته تا 800 سال مقاومت در اندلس، 200 سال مبارزه با صلیبیین، 70 سال نبرد با مارکسیسم و کفر در روسیه، آسیای میانه، بوسنی هرزگوین و کوزوو و دیگر مناطق تحت سلطه اتحاد فروپاشیده جماهیر شوروی و حدود 80 سال پایداری زیر یوغ آتا تورک و نیروهای لائیک و هم اکنون با چشمان خود 50 سال جهاد و پایداری آنها را در فلسطین در برابر صهیونیسم می‌بینیم که همچون کوه استواری است که با طوفان نمی‌لرزد، و همچنین 40 سال مبارزه در کشمیر و دیگر سرزمینهای اسلامی از نشانه‌های این پایداری است. آیا این رشادتها، از خود گذشتگی‌ها که تاریخ آن را در سینه خود به ثبت رسانده است که ما تنها اندکی از نمونه‌های بی‌شمار آن را برشمردیم، در کنار مقاومت بسیاری از ملتهای مسلمان علیه استعمارگران و مستکبرین و قدرتمندان ظالم که امروزه در گوشه و کنار جهان می‌بینیم برای اطمینان به امت و ملت مسلمانان کافی نیست؟

به جز تعداد اندکی از علمای اسلام که در گوشه و کنار جهان دین خود را به دنیای خود و دنیای قدرتمندان فروختند و به جز گروهی از حکام و امیران کشورهای اسلامی که در زمانهای مختلف در رأس امور بودند و ظلم و ستم را بر ملت‌های مسلمان روا داشته و در اوامر و دستورات و اعمال و رفتار خود توجهی به کتاب و سنت ننموده بلکه مطابق میل خود و خواست اجانب که آنها را در رأس امور قرار دادند عمل نمودند. اگر همه اینها را استثناء کنیم می‌بینیم قلب‌های اغلب علما و بیشتر رهبران مسلمانان در عصرها و کشورهای مختلف در گروی اسلام و تمام تلاش آنها در جهت تقویت پایه‌ها و برپایی ارکان اسلام بود با وجود اختلاف عقیده، مذهب، مسلک و گرایش‌های سیاسی بین علما، که موجب جنگ و جدال بین آنها می‌شد. مشاهده می‌کنیم که در راه اسلام خوبی‌های آنها بر بدی‌هایشان فائق آمد و اگر جز این بود اساس و پایه ای برای اسلام باقی نمی‌ماند. و آنچه در لابه لای کتاب‌های تاریخ درباره بسیاری از آنها می‌خوانیم - اگر درست باشد - منشا آن مسائل شخصی و فردی است نه عقاید دینی و سیاسی - خدا آگاه است - چه بسیار از علما در شرق و غرب اسلامی که جان و مال و خانواده خود را در راه دین فدا کردند و بسیاری از آنها برای اعلاي کلمة الله به شهادت رسیدند و تاریخ زندگی گروهی شایسته از آنها را در سینه خود به ثبت رسانده است و وظیفه ما احیای نام و یاد آنهاست تا الگوی دیگران قرار گیرند.

همچنین از میان امیران و حکام به خصوص در صدر اسلام گروهی را می‌یابیم که دین خود را بر هوای نفس ترجیح داده‌اند.

چه نیکو است احوال و اخبار آنها در کتابی بررسی شود تا الگوی جوانان و تحصیل کرده‌ها، کارگزاران و حکام این زمانه گردد.

وظیفه ما است که موضع‌گیری‌های شایسته و تلاش آنها را در راه گسترش اسلام فراموش نکنیم و به بدی‌ها و اشتباهات آنها نپردازیم. يك مسلمان به مردم و برادر مسلمان خود بدگمان نیست و به او به جای عفو و بخشش به دیده سرزنش نمی‌نگرد. چنین است پروردگار مهربان ما.

□

□ به عقیده ما پس از گذشت 1420 سال از تابش نور اسلام هیچ يك از نسلهاي امت اسلام با مشکلات جوانان مسلمان قرن 20 به ویژه دوره اخير مواجه نبوده است. مشکلاتي همچون آشوب و نا آرامي فكري، عقيدتي و تشتت آراء و گوناگوني افكار و مكاتب مختلف فلسفي و گرايشهاي فكري.

□ همچنين جوانان از نظر اخلاق و رفتار و آداب غربي كه چون بيماري مسري همه ملتها و مسلمانان را در برگرفته است مورد آماج شبكه هاي فساد، معصيت، گمراهي و مصيبت قرار گرفته اند. و حركتي كه از آن به عنوان تهاجم فرهنگي يا به تعبير رهبر عظيم الشان امام خامنه اي (حفظه الله) شيخون فرهنگي ناميده مي شود.

□ اگر بگويم جوانان امروزه در جاي جاي زمين با خطر بزرگي دست و پنجه نرم مي كنند و بربل گودال بلکه گودالهايي از آتش قرار دارند مبالغه نكرده ايم.

□ با وجود اين ما به جوانان و به نسل تحصيل كرده خوداميدوار و خوشبين هستيم. به عقیده ما اغلب آنها خود را از آتش فروزاني كه تر و خشك را با هم مي سوزاند حفظ كرده اند و به رهايي آنهايي كه در گودال آتش افتاده اند اميدواريم و بسيار هستند كساني كه پس از سوختن به شعله هاي اين آتش خود را نجات داده اند.

□ مطمئناً بزرگترين خطري كه جوانان به ویژه فرهيختگان را تهديد مي كرد، در برابر پايداري آن قلههاي بي آلايش و خانواده هاي اصيل از آنان روي گردانيد و ارزشهاي ديني گذشتگان بر زندگيشان حاكم گرديد. با وجود اين منكر آن نيستم كه بسياري از خانواده هاي اسلامي از ارزشهاي بيگانه تاثير پذيرفته و فريفته دستگاههاي پر فريب فزاينده اي شدند كه براي فساد و گمراهي جوانان به كار گرفته مي شود در هر حال به گمان ما بخش عمده اي از نسل تحصيل كرده به سلامت از اين خطر نوين عبور كرده و توانستند با پايندي به روح تقوي و تعصب مذهبي خود را براي تقديم اين امانت به نسل آينده آماده و مهيا كنند.

□ اگر روزي خدای ناکرده امید ما از جوانان قطع شود نور اسلام خاموش گشته و ديگر كسي نيست كه ندای اين دعوت مبارك را به گوش نسلهاي آينده برساند. و اين همان چيزي است كه دشمنان ما را خشنود مي كند. آنها براي رسيدن به اين آرزو تمام تلاش خود را مبذول مي دارند. اما به خواست خداوند طبق و عده هاي قرآن و پيامبر همگي آنهازيانكار خواهند بود.

دلیل اطمینان ما به جوانان دیده‌ها و شنیده‌های ما از حرکت‌های اسلامی گوشه و کنار جهان است که توسط جوانان و فرهیختگان رهبری می‌شود. دلیل اطمینان ما حضور جمع کثیری از دختران و پسران تحصیل کرده در مراسم حج و صفوف نماز جمعه و مساجد و اماکن متبرکه و مجالس حدیث و قرائت قرآن می‌باشد جوانانیکه در میدان‌های جهاد و مبارزه در فلسطین و دیگر کشورها حضور می‌یابند. ما جوانان خود را زمان انقلاب اسلامی و در جبهه‌های جنگ تحمیلی آزموده‌ایم. آیا بعد از این جای هیچ شک و تردید برای قابلیت آنها باقی می‌ماند؟

□

5- اطمینان ما به قابلیت رشد و تداوم اسلام

اما اسلام، قابلیت تداوم و انعطاف پذیری خود را در برابر همه تغییر و تحولات جدید در شرق و غرب، شمال و جنوب عالم اسلام به اثبات رسانده است چنانکه هیچ گونه تحول و پیشرفتی روی در روی قوانین و احکام اسلام قرار نگرفته است و اسلام هیچگاه انعطاف پذیری خود را در برابر مشکلات و تحولات از دست نداده است.

تاریخ فتوی، قضاوت و رشد و پویایی فقه در همه مذاهب اسلامی مؤید این مدعی است اسلام بدون وجود هیچ مانعی رشد و تداوم یافته و گوی سبقت را در میادین مسابقه ربوده است با تامل در آیه «مثل کلمة طيبة» در می‌یابیم که این آیه نمونه بارزی از رشد و پویایی دین اسلام است و تاکنون کسی را ندیدیم که به این امر توجه نموده باشد.

کلمه طيبة همان عقیده، شریعت و اخلاق است که ریشه‌اش کتاب و سنت است و از اصول ثابت و لا یتغیری برخوردار است و فروعی که ریشه در این اصول دارد سر به آسمان کشیده، و آسمان نمادی است از بی نهایت - چند شاخه شده به مقتضای نیاز و زمان در تغییر و تحول است.

بنابراین اصول اسلام، ثابت و فروع آن بر حسب تغییر و تحولات جدید تغییر می‌یابد.

هر روز و در هر مکان به خواست خداوند ثمری نو می‌دهد و در طی روزگار از ثمردهی باز نمی‌ایستد چنانچه اسلام در گذشته در تعاطی و تعامل با فلسفه یونان و عرفان هند و ایران و در راستای فرهنگ‌ها و اعتقادات دینی مختلف حرکت کرد، و این فرهنگ‌ها فلسفه‌ها و علوم را آنچنان تغذیه نموده بارور ساخت

که به فکر هیچ کس نمی‌رسید. همچنین می‌بینیم که علما و دانشمندان امروز نیز همچون گذشتگان که فلسفه و عرفان را از پیشینیان خود گرفته و آن را بر مفاهیم اسرار قرآن و سنت تطبیق می‌دادند، اینها نیز اسلام و استنباطهای خود از قرآن و سنت را بر علوم نوین و افکار جدید در زمینه هنر، اقتصاد، اجتماع، حکومت، سیاست و غیره تطبیق می‌دهند. و این مبحث باب گسترده‌ای دارد که وارد آن نمی‌شویم.

نتیجه اینکه گذشته آینه فردای ما است و باعث خوشبینی ما در ارزیابی مان از آینده اسلام از جهات مختلف:

اول: پیشرفت و توسعه علوم – علمی که بیش از سابق ما را با حقایق هستی آشنا می‌سازد – و پرده از اسرار دین و قرآن بر می‌دارد. چنانچه خداوند فرمود: [اِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَاهَهُ بَعْدَ حَيْنٍ] (و فرمود: [سَنُذَرِّيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَفِي اَنْفُسِهِمْ...] (سوره فصلت: 53).

دوم: رشد فرهنگی، اقتصادی، اعتماد به نفس ملتهای مسلمان و استقلال حکومت در امت اسلام.

سوم: ضعف و فروپاشی قدرت‌های جهانی و تسلیم در برابر شجاعت و رشادت ملتهای بیدار و در صدر آن مسلمانان که از یوغ استعمار رهایی یافته یا در شرف رهایی می‌باشند.

چهارم: شکست یا ضعف روحیه ملی‌گرایی و مذهب‌گرایی در مراکز و محافل علمی و دانشگاههای اسلامی و در نتیجه، کاهش اختلافاتی که موجب از بین رفتن توان – یا به تعبیر قرآن ابهت – امت اسلامی می‌شد.

علما و دانشمندان بعد از اینکه هویت خود را در اثر اختلافات پوچ و واهی از دست دادند آن را بازیافتند. زنجیرها گسسته شد و موانع وحدت که قرن‌ها بر سر راه آنها قرار گرفته بود برداشته شد.

اکنون جهان نسبت به گذشته از افق دید روشنتری برخوردار است و دانشمندان به جای پرداختن به مسائل بیهوده در اندیشه ثمردهی، اصلاح و تلاشی مجدانه هستند و مسلمانان شایسته‌ترین و برحق‌ترین افراد برای این امر می‌باشند.

پنجم: پیدایش جنبشهای سیاسی در جهان اسلام: از ابتدای قرن 20 همانند دوره صدر اسلام، مسلمانان با استمداد از حقیقت دین اسلام نداری برقراری حکومتی اسلامی سر می دهند. اصلاح طلب بزرگ سید جمال الدین اسد آبادی مشهور به افغانی، بی هیچ شک، اولین شخصی است که در قرن حاضر این پرچم را برافراشته است سپس دیگران به پیروی از او در آفریقا و آسیا و خصوصاً در مصر و ایران و شبه قاره هند و آسیای میانه راه او را ادامه دادند. چنانچه این دعوت میمون و مبارک تا زمان حال ادامه یافته است که از جمله قوی ترین و گسترده ترین آنها جنبش اخوان المسلمین می باشد. اما این جنبشها بر حسب مقتضیات و شرایط زمان گامی به جلو و گامی به عقب گذاشته اند و در روزگار خود شدت و ضعف و پیشرفت و پس رفت داشته اند و جز در ایران که به رهبری برجسته و مصلح بزرگ امام خمینی (قدس سره) به پیروزی رسیده اند در بقیه نقاط زمین با شکست مواجه گردیده اند همانا خداوند امام را نمونه ای بی نظیر برای حکومت اسلامی قرارداد.

روشن است که حکومت اسلامی پشتوانه اسلام و رکن اصلی و ضامن احیای شریعت درخشان اسلام است. نابودی و محو حکومت اسلامی از عرصه بین المللی از بزرگترین خطرات ویرانگر نظام اسلام به شمار می رفت. اما در حال حاضر جمهوری اسلامی به فضل خداوند بخشی از امید و آرزوی اصلاح طلبان پیشین این سرزمین مبارک را محقق ساخته و راه راست را در برابر دیگران گشوده است و این امر چنانچه پیشتر گذشت در رأس نویدهایی است که بر شمردیم و به خواست خداوند این بشارتها به صورت تمام و کمال محقق خواهد گشت و دیری نخواهد پائید که خبر عظیم آن را خواهی شنید.

خطرات

اما خطرات داخلی و خارجی کشورهای اسلامی که روز به روز و خیم تر خواهد شد:

1- تهاجم فرهنگی که فرایند ارتباط دائمی شرق مسلمان و غرب متجاوز می باشد و در نتیجه آن انسان مسلمان از شیوة رفتاری غریبان آگاه، و اسیر عادات و ارزشهای آنها می گردد.

حال چه از طریق سفرهای متقابل موجود بین کشورها و چه از طریق روزنامه ها، کتابها، فیلمها، رادیو و تلویزیون و نهایتاً از طریق ماهواره ها و اینترنت و دیگر رسانه های گروهی که هر روز اختراع می شود.

2- تهاجم علمی، می دانیم که غرب در کنار انحطاط اخلاقی و رفتاری خود پیوسته در حال توسعه علم و

تکنولوژی است و این امر به نوبه خود غرب را قبله آمال و آرزوهای نادر دنیای دانش و صنعت قرار می‌دهد و این امر موجب می‌شود چون گذشته، در آینده نیز از آنان تبعیت نمائیم و به این ترتیب تسلط علمی و تکنیکی آنان بر ما ادامه خواهد یافت و این به نوبه خود خطر دیگری است که شاید بالاتر از خطر تهاجم فرهنگی باشد.

3- توافق نامه‌ها و معاهده‌های موجود بین کشورهای غربی علیه ما مسلمانان: غربیان با وجود دوگانگی‌ها و اختلافات فی ما بین خود در جهت تضعیف ما، غارت ثروتهای ما و سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر ما با یکدیگر تشریک مساعی می‌نمایند. و در این راه پشت و همراه یکدیگرند.

4- خاورشناسان غربی و مبشران مسیحی در گذشته دو نیروی همپیمان بر علیه ما بودند. آنها این هم پیمانی را در آینده نیز حفظ خواهند کرد. چنانچه شنیده‌ایم واتیکان برای مسیحی نمودن کشورهای آفریقایی در فاصله زمانی پایان قرن حاضر و آغاز قرن آینده عزم جدی نموده است.

5- اشغال بخشهایی از سرزمین ما مسلمانان در فلسطین و کشمیر و بالکان و دیگر مناطق از جانب دشمنانی قدرتمند.

6- آثار باقیمانده از سلطه استعمار و غرب در بخشهایی از سرزمینهای اسلامی و استعمار نو در بخشهایی دیگر از آن.

7- ظهور فرقه‌های مخالف اسلام - که بسیاری از آنان مزدور بیگانه هستند - و پیروی آنها از آنچه آن را دین می‌شمارند - و ما انزل ا[] به من سلطان - فرقه‌هایی چون قادیانیت، بهائیت و غیره، که فعالیت بسیاری دارند و توجه ویژه‌ای به انتشار افکار گمراه کننده خود بین مسلمانان می‌کنند. و در این راه از شیوه‌هایی استفاده می‌کنند که جوانان را فریب می‌دهد.

8- اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی در معرض خطر جدی دین زدایی و به فراموش سپردن ارزشهای دینی که از پدران خود به ارث برده‌اند می‌باشند و این امر در اثر معاشرت و تاثیر پذیری از ملتهایی پدید آمده است که در بین آنها زندگی می‌کنند.

این همان چیزی است که بدان همرنگی با محیط و یا تاثیرپذیری از اقلیم و منطقه گفته می‌شود.

اما خطرات داخلي به طور خلاصه عبارت است از:

1- تاثیر پذيري مسلمانان از فرهنگ و تكنولوجي دشمنان.

2- فقر شديد و بحران اقتصادي و به تبع آن بيماريهاي جسمي و روحي.

3- عدم استقلال دولتهاي بعصي از كشورهاي اسلامي و هم پيماني با قدرت‌هاي استكباري و در پي آن فقدان روح عزت اسلامي و بي توجهي به اسلام و مصلحت امت اسلام.

4- وجود اختلافات مرزي و قدرت نمائيهاي سياسي بين سران كشورهاي اسلامي يا حركت در پشت خطوط سياسي وابسته به جبهه هاي بيگانگان غرب و شرق. آنها به جاي اينكه از جبهه متحد اسلامي كه در برابر بيگانگان به خود متكي است پيروي كنند به قدرتهايي نظير روسيه، انگليس، فرانسه و آمريكا وابسته مي‌باشند.

5- وجود اختلافات مذهبي كه موجب دوري پيروان مذاهب اسلامي از يكديگر مي‌شود اين اختلافات گاه و بي گاه در گوشه و كنار جهان تشديد مي‌شود بگونه‌اي كه منجر مي‌شود يكديگر را به كفر و فسق نسبت دهند و در بسياري از اوقات باوجود اينكه برادران ايماني هستند و علي رغم آيه شريفه: انما المؤمنون اخوه / حجات 10، اقدام به كشتن يكديگر مي‌كنند.

بدون شك در اين اختلافات چيز بدّي است. و بدتر از آن عدم توجه مسلمانان به آيه ديگري از قرآن است كه اين مشكل را حل كرده است و مي‌گويد: [وَأَن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلَحُوا بَيِّنَاتُهُمَا فَاَن بَغْتًا أَحَدَاهُمَا عَلَى الْآخِرَىٰ فَقَاتِلُوا السَّيِّئَةَ تَبْغِي حَتَّى تَفْزِيَهُ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَاَن فَوَاتٍ فَأَصْلَحُوا بَيِّنَاتُهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسَمُوا أَنَ اللَّهُ يَحْبِبُّ الْمُقْسِمِينَ] (سوره حجات:9).

اين آيه ما را موظف به برقراري صلح و سازش بين دو گروه از مؤمنان كه اقدام به كشتن يكديگر كرده‌اند مي‌كند. آيا مادر گذشته و حال در جنگهاي بين دو كشور مسلمان به وظيفه خود عمل نموده‌ايم ؟ يا اينكه هر گروهی از ما مسلمانان براي منفعت خود بدون در نظر گرفتن گروه ديگر به ياري يكي از طرفين مخاصمه خواه بر حق باشد خواه سرکش و ظالم اقدام مي‌نمايد.

6- احيا و بيدار نمودن روح نژاد پرستي و ملي گرایی در بين مسلمانان حتي در داخل يك کشور و اين به نوبه خود از جانب شبکه‌هاي بيگانگان در برابر مسلمانان صورت مي‌گيرد و اسلام با بيان اينکه اخلاق بين ملتها و قبائل يك حقيقت اجتماعي است ما را از مباحثات ورزیدن به آن بر حذر داشته و تاکيد مي‌کند کریم ترين شما نزد خداوند پرهيزگارترين شماست. اين پديده شوم در اين قرن ما نوعي از استعمار نواست.

7- تفاوت طبقاتي در جوامع اسلامي و خطرات ديگر...

□

□وظايف و مسئوليتها:

□اگر قصد تفصيل داشته باشيم بايد مسئوليتها و وظايف زيادي را برشماريم اما در چند جمله خلاصه مي‌توان اينچنين گفت:

□اولاً: توجه به امور مسلمانان، پيامبر اکرم ((صلي الله عليه وآله)) فرمود: «من اصبح لايهتم بامور المسلمين فليس بمسلم» آنکس که شب را به صبح برساند و توجهي به مسايل مسلمانان نرزد مسلمان نيست. لازمه اين توجه شناخت ملتهاي مسلمان از نظر کمي و کيفي و نقاط قوت و ضعف آنان و همچنين شناخت تغيير و تحولات مثبت و منفي آنان مي‌باشد.

□دوم: تشريك مساعي در رويارويي با خطراتي که بر شمرديم و رفع کمبودهاي مسلمانان و بر آورده ساختن نيازهاي مبرم مادي يا معنوي آنان.

□سوم: بهره برداري کامل از بشارتها و نکات مثبت مذکور و تداوم اين بهره وري تا رسيدن مسلمانان به هدي که خداوند در قرآن به آنان وعده داده است مبني بر اينکه آنان راميراث دار زمين گردانند تا صاحب عزت و شرف شوند که عزت و شرف از آن خداوند، پيامبر و مؤمنين است و گواهي خداوند در اين امر کافي است.

□در پايان به شما برادران حاضر در کنفرانس و استادان ارجمند خير مقدم عرض کرده و بهترين سلامهاي خود را به شما تقديم مي‌کنم. از شما بسيار سپاسگزارم و از خداوند بلند مرتبه براي خود و شما همه

برکات و خوبیها را خواستارم واز او مي خواهيم که همه ما را مشمول عفو و رحمت خود نمايد. و نيز، ادب حکم مي کند که از تجمع العلماء المسلمين به خاطر همراهي با مجمع جهاني تقريبات مذاهب اسلامي در برگزاري اين کنفرانس عظيم و تشريک مساعي با اين مجمع در ادای وظیفه و مأموریت خود که همان نزديک سازي پیروان مذاهب اسلامي و زدودن دشمني هاي موجود بين آنها به منظور تشکیل جبهه اي واحد در برابر دشمنان است تشکر نمايم و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمين وسلام علي المرسلين.

والسلام عليكم ورحمة الله و برکاته

□

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله والسلام علي رسوله الله وآله واصحابه، اعوذ بالله من الشيطان الرجيم يا ايها الذين آمنوا لاتتخذوا آباءكم واهوانكم اولياء ان استحبوا الكفر علي الايمان ومن يتولهم منكم فاولئك هم الظالمون.

قبل از شروع صحبت بايد تشکر كنيم و خوش آمد بگويم به ميهمانان عزيزي که از راههاي دور باعث غناي اين برنامه خوب سالانه ما مي شوند و آنهايي که بخصوص امسال تشریف آوردند و هم شخصيتهاي داخلي که اهميت مي دهند به اين موضوع جهاني اسلامي و براي تقويت اين فکر به اين محفل بين المللي تشریف مي آورند واز برادرني که همه ساله برنامه هاي خوب و موضوعات قابل توجهي در دستور قرار مي دهند و زحمت اداره اين کار مشکل را به عهده مي گيرند و انصافاً موفق هم بوده اند قدرداني مي کنم.

تاکنون جاي خالي يك چنين کنفرانس بين المللي اسلامي خالي بوده و موفق شدند آقايان اين جاي خالي را تا حدودي پر کنند و بخصوص آيت الله واعظ زاده که با علاقه خاصي مسئله تقريبات بين امت اسلامي را پي گيري مي کنند.

من امروز راجع به اين مسئله فکر مي کردم که چه بکنيم که دنياي اسلام از اين بي تفاوتی و حداقل کم تفاوتی در مورد مصالح کلي اسلام آنجايي که به همه دنياي اسلام مربوط مي شود بيرون بياید آنچه که قرآن از ما خواسته با آنچه که الان دنياي اسلام به آن پايبند است خيلي فاصله دارد البته از سالهاي اول اسلام هم اين فاصله بود از گله هايي که قرآن از مسلمانهاي مدینه که يك واحد کوچکی بودند در

دنیاي آنروز، دارد، مي[فهميم که هيچوقت مسلمانها به اين نداي مهم الهي که يك نوع ولايت بين آحاد امت اسلامي و مجموعه هاي امت اسلام را خواسته، لبيك نگفته]اند.

[اين مسئله را حقيقتاً بايد در دستور خودتان قرار بدهيد، کار بکنيم و ببينيم که راه حل اين معطل چيست؟ از مدينه اين گله ها را داريم در سوره توبه و مائده و سوره [هاي ديگر قرآن شما آيات زيادي مي[بينيد که خداوند بعضي مسلمانها را توبيخ مي[کند و مي گويد که چرا اهميت نمي دهيد بر روابط اسلامي؟ چرا اولويتهايي داريد که ما آن اولويتها را نمي[پسنديم؟ همين آيه اي که من خواندم به مسلمانها مي[گويد که شما اگر پدرانتيان و برادرانتان کفر را برايما ترجيح دهند شما حق نداريد آنها را ولي اتخاذ بکنيد حالا اين ولايت چه معنايي دارد خوب آقا يان مي[دانند. ما خيلي نمي خواهيم بحث بکنيم.

[همين مضمون را در سوره مائده داريم با اسم بردن از بعضي از طوائف و اديان. در سوره هاي ديگر هم هست. بعد از همين آيه باز در سوره توبه انگيزههايي که در انسان هست و در آرزياي هاي خودش اولويتهايي ديگر قرار داده نام مي[برد: پدر، مادر، همسر، مسکن، عشيره، خانه و هر چي از محبوبيهاي خود ما آنهايي که براي ما جاذبه دارد اينها وقتي در مقابل اسلام، مسلمانها و خدا قرار مي[گيرند محکوم مي[شوند.

[قرآن مخاطبان آن روز خود را توبيخ مي[کند معلوم مي[شود که در آنروزها اين مشکل در دنياي اسلام بوده است، حتي گاهي قرآن تحليل مي[کند مي[فرمايد که شما از ترس اينکه فقير بشويد از ترس اينکه ضرر بکنيد از ترس اينکه مصيبي پيش بيايد و با فلان جاريات خوب نداشتيد و آسيب ببينيد، مي[رويد و اين تخلف را مي[کنيد خيلي مسئله روشن است آنچه که من مي[خواهم مطرح کنم اين است که ما الان نيازمنديم که در فرهنگ امت اسلامي يك اولويت مهم بگنجانيم و آن اين است که منافع اسلام و امت اسلامي بر همه چيز تقدم دارد، اين خيلي اهميت دارد و يقيناً خواست قرآن است. و روح اسلام از يك مسلمان واقعي اين را مي[خواهد. آنجايي که پاي خدا، پيغمبر، قرآن، امت اسلامي و مصالح اسلامي پيش مي[آيد جاي ترجيح ساير منافع نيست. مثلاً مصالح جغرافيايي که براي خيلي از دولتها و ملتها خيلي اهميت دارد، مسائل نژادي، حزبي و منافع تجاري، مادي و خيلي چيزهايي که الان مهم است و نمي شود به ملتي و دولتي گفت که نسبت به اينها بي توجه باش. بالاخره کيان امت اسلامي يك چيزي است و کيان هر دولت و هر جمعي محور ديگري دارد. حتي داخل يك دولت جريانهاي مختلف و احزاب و باندها همين مسائل بر ايشان مطرح است. به نظر مي[رسد حقيقتاً آن اولويتي که قرآن از ما خواسته به مصالح اسلام بدهيم آن را امروز در دنيا نمي[بينيد من نمي گويم در گذشته بوده است من الان زماني را سراغ ندارم که

بگویم در فلان تاریخ امت اسلامی اینجور بوده که اولویتش منافع کل اسلام بوده. گفتم در مدینه که جمعیت خیلی محدودی بود و همه در يك شهر بودند، مسائل قومی، جغرافیایی و مرزها مطرح نبوده همین مشکل در آن موقع هم بوده است در حدی که آیات متعددی به این مسئله پرداخته حالا شاید این توقع زیادی باشد که بگویم همه ملتها و دولتها اینجور باشند که ما ما می گویم، ولی حداقل نصایب از اولیت را باید در نظر بگیریم. الان خیلی آسان دولتها و اشخاص و جریانها منافع اسلامی را در روابطشان نادیده می گیرند می گیرند خوب در چنین شرایطی و حدت اسلامی که اینقدر دنبالش هستیم و برای آن تلاش می کنیم چگونه می خواهد تحقق پیدا کند؟ اگر موفق بشویم این فرهنگ ارزیابی درست را به مردم بیاورانیم کار مهمی کرده ایم. البته جای آن در همین کنفرانسها است اینجا می که شخصیتهای محبوب و معتمد و متنفذ دنیای اسلام حضور دارند که هر يك بالاخره فضایی از جامعه خودشان را می توانند پوشش بدهند و تکیه بکنیم روی این مسئله و واقعاً این مسئله را جدی بگیریم که حداقل در مقابل سایر منافع که برای ما وجود دارد بها بدهیم به منافع مهم دنیای اسلام و مسلمانها حالا چه فردی و چه اجتماعی.

اگر این فرهنگ احیا بشود بسیاری از مشکلاتی که امروز دنیای اسلام دارد و منفعی که بخاطر تفرقه از دست می دهد، وضع دیگری پیدا می کند. واقعاً الان کفر جهانی خیالش راحت است از همکاری دنیای اسلام، آنجایی که منافع بخشی از مسلمانها در خطر می افتد. اگر خاطرش راحت نبود اینجور با مارتار نمی کرد او باخاطر راحت هر کجا که منافعش ایجاب می کند وارد می شود و فشار می آورد، زور می گوید، و ظلم می کند شاید بهترین مثل برای ما همین مسئله فلسطین باشد البته فقط این یکی نیست ما خیلی مسئله داریم الان بیش از نیم قرن است که دنیای اسلام عواطفش جریحه دار است از مسئله فلسطین ولی کفر از این مسئله نمی ترسد.

منافع اسرائیل و صهیونیستها را بر منافع دنیای اسلام ترجیح می دهد عمده ترین دلیلش همین عدم تکافوی بین مسلمانهاست آنهایی که باید نفوذشان حالت تعصب گونه ای برای هم داشته باشد این حالت الان وجود ندارد حقیقتاً درد است و درد اساسی اینجا است. ما اینجور بار آمدیم.

ما نمی توانیم بگویم اینها مسلمان نیستند همه مسلمان هستند علاقمند هستند، عبادت انجام می دهند، صبح می روند و آداب رسوم را بجا می آورند اینطور نیست که بی علاقه به اسلام باشند. چطور این منفعت عام اسلامی را مورد توجه و در اولویت نمی بینیم؟

الان مسئله کوزوو مطرح است، ظاهراً این مشکل در حال حل شدن است.

خوب غربیها آمدند حل کردند. البته اگر حل بشود صربها واقعاً قصاصی کردند در کوزوو. آن گورهای دسته جمعی و آن کشتارها و این چیزها که در خبرها می‌آید وما می بینیم! واقعاً امت اسلامی برایش چقدر بها داشت چه اولویتی داشت، چقدر مطلع بود چقدر دلسوزی کرد، چقدر خرج کرد، چقدر فداکاری کرد، چقدر روابطش را تحت تاثیر قرارداد؟

همین چند روز پیش اسرائیل به بهانه ای بیروت را زد این همه خسارت وارد کرد، آدم کشت!، خوب دنیای اسلام خیلی آسان می‌گذرد؟! بالاخره مسلمانها، دولتها و علمای اسلامی چه جوابی می‌توانند بدهند؟ چرا حساسیت ایجاد نمی‌کند؟! این مال زمانی است که ما قدرت نداریم؟ ما خیلی هم قدرت داریم من خیال می‌کنم یکی از ادله ای که قرآن روی مسائل تکیه می‌کند با اینکه آنروز به حساسیت امروز هم نبوده جاودانگی قرآن است برای زمانی مثل زمان ما.

امروز نزدیک يك چهارم جمعیت دنیا مسلمان هستند. البته این عدد را غربیها کم می‌گیرند. ولی هر چه نگاه می‌کنیم آمار را نگاه می‌کنیم نزدیک يك چهارم دنیا را مسلمان تشکیل می‌دهد. بهترین نقاط سوق الجیشی حساس دنیا دست مسلمانها است از تنگه جبل الطارق، کانال سوئز و تنگه هرمز. این نقاطی است که در قلب دنیا قرار گرفته، منابع انرژی دنیا اکثراً در کشورهای اسلامی است يك سوم دنیا بازارش از آن مسلمانهاست اتفاقاً بخاطر منابع نفت و انرژی پول دار هستند.

کلیه بانکهای دنیا مبالغ زیادی از آن، مال مسلمانها و مال این چاههای نفت است اینها همه امروز منبع قدرت است همه اینها متفرق، جدا و به صورت جزیره های کوچک در يك اقیانوس عمل می‌کند. قرآن تکیه دارد روی تضامن اسلامی و تولی اسلامی.

يك چنین زمانی را در نظر بگیرید. ببینید تکلیف قرآنی ما جدی است. واقعاً ما حاضر نبودیم آنجایی که منافع اسلام در میان است، کفر را ترجیح بدهیم؟

اگر همین اصل را ما جدی بگیریم و يك فرهنگ جدی در بین ما خلق بکند خیلی قدرت بزرگی هستیم. نمی‌گویم ما می‌خواهیم از این قدرت سوء استفاده بکنیم زور بگوییم ظلم کنیم. می‌خواهیم حداقل دفع ظلم بکنیم. فلسطین، سودان، کشمیر آنجوری مورد ظلم قرار نگیرد. قره باغ، بوسنی، کوزوو، اینجور نشوند خوب همه منافع امت اسلامی است. البته حرف هم می‌زنیم (در ایران بیشتر از جاهای دیگر) ولی در عمل خیلی دی نیستیم.

ما يك نمونه كوچكي كه براي خودمان اتفاق افتاده از همكاريهاي بين المللي عرض مي‌كنم شما ببينيد چقدر مهم است. ايران و عربستان سالها باهم همكاري نمي‌کردند و خسارات عمده‌اي در دنياي اسلام بوجود مي‌آمد. فعلاً تا حدودي اين همكاري شروع شده است.

تحقيقاً استكبار و صهيونيسم و كفر جهاني مايل نيست همدلي و نزديكي بين مسلمانان آن هم براسا يك اصل يعني اصل قرآني «اولويت منافع امت اسلامي» تحقق پيدا بکند.

براي ما خيلي روشن است الان هو شيار هم شده است با انقلاب اسلامي كه در ايران اتفاق افتاد و همين كنفرانسهاي وحدت و جدي شدن ايران در دفاع از مسلمانان در جاهايي مثل فلسطين.

اينها باعث شد كه اينها هو شيار بشوند. تحقيقاً عوامل تفرقه و عوامل نفودي كه دارند امكاناتي كه دارند، بوقهاي تبليغاتي كه دارند شيوه هاي تفرقه انگيزي كه وارد هستند اينها را بكار مي‌گيرند، در هر مجموعه اي اخلاص مي‌كنند. فرض كنيد دنياي عرب يك مجموعه است. علاوه بر اسلام مسائل مادي يك اولويت است در مسئله نفت ما چند ماه بخاطر عدم همكاري و حتي رقابت در عرضه كردن نفت باعث شديم مبالغ هنگفتي، بيش از صد ميليون دلار پول مسلمانها برود توي جيب آن كساني كه حالا يا با ما دشمن هستند يا نسبت به ما نظر خوبي ندارند.

يك همكاري محدود باعث شد كه تا حدودي قيمت نفت را ترميم كنيم ممكن است بعضي ها فكر كنند كه منابع انرژي را كه فقط كشورهاي غربي نمي‌خرند، همه دنيا اين منابع را مي‌خرند! خوب دنياي سوم چيز كمی مي‌خرند عمده اين منابع را غربيها، كشورهاي عمده صنعتي مي‌خرند. خوب اين يك همكاري كوچك كه منافع شخصي دو كشور و مسائل مادي، بالاخره ما را بهم نزديك كرد.

اين يك كار بسيار بزرگي بود مسائل سياسي ديگري اتفاق مي‌افتد ولي در همانجا هم باز منافع مشترك از منافع شخصي و محدود اهميت كمتر دارد و حتي گروههاي منطقه اي كه مي‌توانند باهم همكاري بكنند گاهي مسائل خلق مي‌شود و بين ما تفرقه بوجود مي‌آورد. ما خودمان اين مسائل را خلق مي‌كنيم و آنها بزرگش مي‌كنند يا آنها خودشان خلق مي‌كنند. عوامل تفرقه بين ما خيلي دي است ولي ما چنين كاري در بين مسيحيها نداريم ما هيچوقت به اين فكر نيفتاديم كه بين مسيحيها تفرقه بيندازيم يا بين يهوديها تفرقه بيندازيم. يا برويم دنبال كشورهايي كه باهم همكاري مي‌كنند همكاريهايشان را متلاشي بكنيم دنياي اسلام در اين گونه ما به ها نيست ولي در حفظ هدف خودمان مي‌توانيم خيلي جدي باشيم.

به هر حال البته این حرفها مقدار کمی از آن مربوط به شما می‌شود من از این جهت با شما مطرح می‌کنم که شما زبان اسلام هستید. شما مفسر اسلام هستید. عده زیادی از مردم را می‌توانید تحت تاثیر قرار بدهید و من راه را این می‌دانم که فرهنگ این اصل قرآنی را بتوانیم در جامعه احیاء کنیم ممکن است طولانی باشد ممکن است اگر ما همه باهم کار کنیم دوالی سه دهه طول بکشد.

همین کنفرانس، آقایان می‌گویند کار ما کمی مشکل تر بود. والان مقداری روان شده چون با يك واقعیتهاي و اصولي الان بسياري از مسلمانها با این همکاریهاي که شده کم کم نزديك شدند خوب این را آدم می‌تواند بیشتر تقویت بکند و این يك وظیفه قرآنی و اسلامي است که ما داریم مثل بقيه وظایفمان مثل عباداتي که می‌کنیم و سایر اعمالی که انجام می‌دهیم.

امیدواریم که هر چه جلو می‌رویم برکات این کنگره شما بیشتر بشود و از حضور میهمانان خارجی گرانقدرمان در ایران هم بیشتر استفاده کنیم و آنها را با حقایقی که در داخل ایران و در خارج ایران و هم عقاید افکاری که داریم آشنا بکنیم من دلم می‌خواهد فضای جامعه ما به گونه‌ای باشد که این اختلافات محدودی که گاهی بعنوان شیعه و سنی، گاهی گروه تند، چپ و راست که در بین ما شیعه هاست اینها هیچيك نتواند مانع پرداختن به منافع ملي دنيای اسلام بشود این فکری است که امام راحل ما تاکید داشتند و از متن قرآن است ولي ایشان بعنوان رهبر تاکید می‌کردند رهبر فعلي دنيای اسلام و انقلاب اسلامي همین اصول را تکیه می‌کنند ما همه بعنوان شاگردان این مکتب و طلبه هاي این نظام همینجور فکر می‌کنیم اما فائق آمدن بر این روحیات و ارزیابی هايی که در فطرت انسان هست و ما را به جهات دیگری سوق می‌دهد کار دشواری... است شما را بخدا می‌سپاریم و منتظر دیدن و خواندن آثار تفکر شما در این کنگره هستیم. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته